

«خادم و خادمه» در لبنان فرهنگ بهره‌گیری از

در فرهنگ عمومی اکثر کشورهای عربی هنوز اصل طبقاتی حاکمیت دارد؛ طبقاتی که هر یک به نوبه خود ویژگی‌ها و شرایط مخصوص به خود را طلب می‌کنند.

طبقات بالا اقتشاری هستند که از ثروت بیشتری، نسبت به سایر اقشار، برخوردارند. لازمه این طبقه، در کنار برخورداری از دیگر امکانات، خادم یا خادمه در امور روزمره زندگی است. به‌طور عام، برخلاف سایر کشورها، تحصیلات عالی از ویژگی‌های مهم طبقه برتر در جامعه عربی محسوب نمی‌شود!

هدف این نوشتار آن است که به بررسی یکی از عادات فرهنگ عربی - غالب کشورها - یعنی بهره‌گیری از خادم و خادمه پرداخته شود؛ نمونه مورد نظر نیز کشور لبنان انتخاب شده است. لکن قبل از شروع بحث لازم است ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه عربی را، با لحاظ کردن اصل «عربیت - قومیت» به سه دوره جامعه‌شناختی تاریخی، تقسیم‌بندی کرد.

ساختار تقسیمات تاریخی - اجتماعی عربی

الف) دوران قدیم:

قبل از نظام قومیت

نظام قومیت

ب) دوران جدید:

بعد از نظام قومیت (با آغاز پیدایش

نفت)

نظام قبل از قومیت، براساس ساختار خویشاوندی استوار است و قویترین ساختار در آن، خانواده، عشیره، طایفه و روستا است.

در این نظام ساختاری، روابط براساس غریزه است و نه عقلانیت و هنوز چیزی به عنوان آگاهی قومی و مصالح مشترک در بین اعراب قابل طرح نیست.

نمونه کامل این گونه جامعه اولیه را می‌توان در اعراب جاهلی قبل از اسلام جستجو کرد. اما در دوره دوم؛ ساختار

اجتماعی در جوامع عربی براساس نظام قومیت شکل می‌یابد. شاخصه این دوره، ارتباطات و مواضات بیشتر بین عشیره‌ها و در نهایت بلدان است و اعراب درمی‌یابند که پارامترهای مشترکی بین آنها وجود دارد که می‌تواند به عنوان عامل پیوند و تشکیل نظام قومی مطرح گردد.

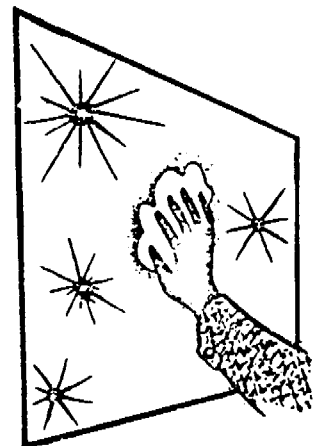
از ویژگی‌های مشترک این دو دوره وجود برتری طبقاتی در اجتماع است. پایه‌های این برتری طبقاتی، در کشوری مثل ایران ساسانی، با ورود اسلام سست می‌شود. لکن جامعه عربی آن را با تغییر در اشکال ظاهری، و صرفاً تخفیف در شدت آن، حفظ می‌کند.

اما عده‌ای از کارشناسان، تاریخ عصر جدید در اجتماع عربی را به دو بخش قبل از اکتشاف نفت و بعد از آن تقسیم می‌کنند؛ تقسیمی که از حیث اقتصادی صورت پذیرفته، لکن با بازتاب‌های فراوان فرهنگی همراه شده است.

پاره‌ای از صاحب‌نظران نقطه آغازین حرکت به سوی دموکراسی در کشورهای عربی را با کشف نفت مرتبط می‌کنند؛ برخی دیگر با پژوهش در مجتمع عربی، به دنبال کشف مکانیسم اقتصاد در ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی در جامعه عربی هستند.

آنچه که در دوره جدید مهم تلقی می‌شود، تغییر شکل صوری پاره‌ای از مفاهیم و تقالید قدیم به شکل جدید - لکن با همان نظام مرتجعانه - است. به عنوان مثال، در کشورهای حوزه خلیج فارس، قبل از اکتشاف نفت، طبقه برتر را شیوخ می‌نامیدند در حالی که با اکتشاف نفت به امراء تغییر اسم می‌دهد و بر همین اساس، «امیرنشین» جایگزین «شیخ نشین» می‌شود. در هر حال، نظام طبقاتی - عشیره‌ای است که در ذهنیت و عقل عربی ریشه داشته است.

در عصر جدید اکثر اجتماعات عربی در قالبی مدرن تغییر شکل صوری می‌یابند که



از آن جمله اجیر کردن دیگر انسان‌هاست. از مشترکات مهم دو دوره قدیم و جدید تاریخ اعراب، بهره‌گیری از مستخدم و یا به تعبیر دیگر، خادم و خادمه برای امور منزل و خدمات عمومی طبقه برتر است.

بهره‌گیری از ابزارهای تفاخر اجتماعی (پارامترهای طبقه برتر)

طبقه برتر، در هر جامعه‌ای ویژگی مربوط به خود را دارد. در مجتمع عربی، این طبقه پارامترهای ذیل را داشته است: همسر بیشتر، فرزند بیشتر، وسعت اراضی، تعداد مرکب، تعداد مستخدمین (خادم یا خادمه) و...

این ویژگی‌ها - با درصدی از تفاوت - حتی در حال حاضر که دنیا در آستانه هزاره سوم است، از پارامترهای طبقه برتر در جامعه عربی محسوب می‌شود.

پاره‌ای از تفاوت‌ها را می‌توان این‌گونه توصیف کرد که مثلاً:

همسر بیشتر، جای خود را به مسافرت به مناطق اروپایی و... داده است.

وسعت اراضی، به تعداد شرکت‌های تجاری تبدیل شده است.

تعداد مرکب، به بهره‌گیری از جدیدترین مدل‌های اتومبیل تغییر شکل داده و...

لکن آنچه که همچنان به قوت خود باقی است بهره‌گیری از مستخدم (خادم و خادمه) در امور منزل است و حتی پاره‌ای از خانواده‌ها برای آنکه اظهارکنند متعلق به طبقه برتر هستند، با تحمل تمام فشارهای اقتصادی، سعی می‌کنند انسانی را برای امور منزلشان اجیر کنند.

بنابراین، ساختار طبقاتی با آغاز عصر جدید، همچنان در جامعه عربی باقی مانده است و هنوز پاره‌ای از انسان‌ها به خاطر فقر اقتصادی در دست خانواده‌های طبقه برتر اجیر هستند.

دوران قدیم اجتماعی عرب و بهره‌گیری از سیاهان آفریقایی به عنوان مستخدم اشاره شد که در عصر جدید پاره‌ای از ویژگی‌های طبقاتی، به ویژه در بین طبقه برتر، با تفاوت‌های سلیقه‌ای مواجه شد که

از آن جمله نحوه بهره‌گیری از مستخدم است.

در عصر قدیم، اعراب از سیاهان آفریقایی (عبید) برای امور خود بهره می‌بردند که در عصر جدید جای آنها را افراد سریلانکایی و فیلیپینی پر کرده‌اند و علت این امر را باید در نیازهای هر دوره و ویژگی‌های مستخدمین در پاسخ به این نیازها جستجو کرد. به عنوان مثال، عوامل ذیل را در علل بهره‌گیری از سیاهان آفریقایی در دوره قدیم جوامع عربی می‌توان برشمرد:

الف. قدرت بدنی سیاهپوستان

در قبل از اکتشاف نفت و ورود ماشینسیم در بین عرب‌ها، قدرت بدنی به عنوان مهم‌ترین ابزار در کارایی‌های روزانه محسوب می‌گردید. لذا این امر آنها را تشویق می‌کرد که به هنگام استخدام افراد به جستجوی سیاهان آفریقایی بپردازند.

ب. کثرت زاد و ولد زنان زنگی

از نظر فیزیولوژی بدنی، زن زنگی قدرت و توان تولید نسل بیشتری را داراست و داشتن فرزند زیاد نیز در نظام عشیره‌ای و قبیله‌ای از ارکان مهم برتری طبقاتی به شمار می‌آمد. بدین علت، زن زنگی به غیر از خدمات منزل می‌توانست برای همسر تولید نسل بیشتری نیز داشته باشد.

ج. اشتراک زبانی

از ویژگی‌های تاریخی بین سیاه آفریقایی (شمال‌شرق و شمال آفریقا)، به ویژه پس از ظهور اسلام، اشتراک زبانی بین آنها با اعراب شبه جزیره است. لذا در شکل کلی، عرب‌ها ترجیح می‌دادند برای بهره‌گیری از خادم و خادمه از نیروی انسانی کشورهای سومالی، اتیوپی، تانزانیا و... بهره ببرند. شاید علت ضرب‌المثل شدن مسلمانان مستضعف اتیوپی در بین اعراب

به عنوان بی‌نواترین مسلمانان دنیا نیز همین امر باشد (این نکته را باید یادآور شد که تکلم کنونی اکثریت کشورهای آفریقایی به زبانی انگلیسی، فرانسوی، پرتغالی و... مربوط به دوران پس از استعمار آفریقا است).

آغاز عصر جدید در جوامع عربی (تغییر شکل در نحوه بهره‌گیری از مستخدم)

عصر جدید با آغاز اکتشاف نفت، در عادات و تقالید مجتمع عربی تأثیرات مختلفی را ایجاد کرد و گونه‌ای از تمدن جدید در شکل معماری و زندگی روزمره و عادات و تقالید و سلیقه‌های شیک شده و... به وجود آمد. لکن آنچه که ثابت ماند، بنیان‌های فرهنگی و فسیل شده در ذهن غالب اقبالیان عرب است؛ ذهنیتی که همچنان در دایره بحث قومیت و عربیت دوران دارد و هنوز حتی با گذشت بیش از هزار و چهار صد سال از پیدایش دین مبین اسلام، آن هم در کانون عربی، تغییر محسوسی ننموده است!! و گونه‌ای از نژادپرستی در مقابل دکترین برتر «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» پایدار مانده است!! لکن با این حال می‌توان فرهنگ عربی را در عصر جدید به دو بخش تقسیم نمود:

۱. فرهنگ عرب خلیجی

۲. فرهنگ عرب شامات (شامل کلیه کشورهای موجود در خاورمیانه عربی که در پیشینه تاریخ معروف به سرزمین شامات بوده است).

لازم به ذکر است که در دوره جدید، بین دو فرهنگ ذکر شده تفاوت بسیاری رخ داده است و این تفاوت را می‌توان در نحوه ارتباط دین با سیاست، روشنفکر (اعم از دینی و غیردینی) با حکومت برشمرد که با توجه به وسعت بحث و هدف این نوشتار، توضیح این امر به همین حد اکتفا می‌شود. بنابراین، در بحث از فرهنگ عربی در عصر جدید، صرفاً به پارامتر عادت و تقالید، آن هم به نحوه بهره‌گیری از خادم و

خادمه (مستخدم) پرداخته شده است.

تبدیل غلام و بنده سیاه آفریقایی به خادم یا خادمه سریلانکایی و فیلیپینی

در عصر جدید به فضل تکنولوژی و رابطه متقابل آن با نفت، این ثروت مجانی و خدادادی عرب، تأثیر زیادی در کشورهای عربی - به عنوان مهم‌ترین مصرف‌کنندگان دنیا - بر جای نهاده و ذائقه و سلیقه‌های آنها به مقدار زیادی نسبت به گذشته تغییر یافته است.

زمانی که چرخ‌های ماشین به حرکت درمی‌آید، قدرت بدنی از کارسازی قبلی برخوردار نخواهد بود. بنابراین هیکل بزرگ سیاه آفریقایی در منزل عرب بدون استفاده می‌ماند؛ و از طرفی دیگر، غالب زنان عرب از اسلام اصیل جز پاره‌ای عادات و تقالید که آن هم از سنن عشیره‌ای ایشان باقی مانده است و نه روح اسلام ناب، چیز دیگری نمی‌دانند. لذا زمانی که تجدد و زینت براق غرب چراغ خانه عرب را روشن نمود، زنان نیز همپایه مردان در مقابل آن زانو زدند و بسیاری از عادات و تقالید غربی جایگزین سنت‌های کهن موجود شد. با آمدن فرهنگ جدید، کم‌کم زن عرب دریافت که شوهر باید متعلق به خودش باشد و زنان آفریقایی حق ندارند درصدی از حقوق آنها را اشغال کنند؛ و از طرفی، تولید نسل زیاد نیز همچون سابق رونق ندارد. لذا در عصر جدید، زن عرب ترجیح می‌دهد که خادمه منزلش سریلانکایی یا اندامی ترکه‌ای و قیافه‌ای زشت و یا فیلیپینی با رنگ زرد باشد تا در مخیله شوهرش اندیشه زناشویی با وی رسوخ نکند. البته این تغییر سلیقه عربی صرفاً به خاطر عوامل فوق‌الاشاره نیست، بلکه عامل دیگری را نیز باید مدنظر داشت و آن نقش و آثار تبلیغات در عصر جدید است. در این عصر، تبلیغات نقش اول را در تعیین سلیقه افراد بازی می‌کند؛ و به دلیل چرخش اقتصادی در کمپانی‌های تجاری، سلیقه مصرف‌کننده

نباید ثابت بماند؛ چرا که ثبات باعث عدم رونق کالای جدید و در نتیجه، خسارت تولیدکننده و یا تاجر واسطه می‌گردد و...

توضیح بیشتر آنکه، بازاربایی کمپانی‌های بزرگ تجاری که به تجارت مستخدم (برده‌داری شیک شده) در دوره کنونی می‌پردازند، در تغییر سلیقه عربی در بهره‌گیری از سریلانکایی به عنوان مستخدم تأثیر فراوانی داشته است؛ چرا که بیشترین حجم فعالیت این کشورها متوجه کشورهای فیلیپین و سریلانکا است.

در بررسی علل این حجم فعالیت شرکت‌های تجارت مستخدم، به عوامل اقتصادی و فرهنگی دیگری نیز باید اشاره کرد که بررسی آن هدف این نوشتار نیست.

خدمتکاران در لبنان

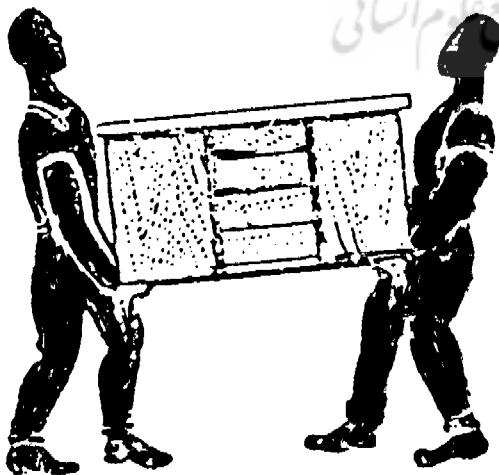
اگرچه لبنان کشوری نفت‌خیز نیست، لکن عصر جدید - خصوصاً به برکت ارتباطات - موجبات رونق بخشی به اقتصاد آن را فراهم آورده است؛ و نیز روحیه و خصلت ذاتی لبنانی در تجارت توانسته است با بهره‌گیری از ابزار عصر کنونی قدرت اقتصادی را تولید کند که همسنگ دیگر کشورهای نفت‌خیز عربی باشند.

از طرفی در لبنان نیز همچون اغلب کشورهای عرب، حرف اول را در ساختار اجتماعی، عشیره و طایفه می‌زند و همان‌گونه که اشاره شد، از مقتضیات این

ساختار نظام طبقاتی و اصل برتری و تفاخر طبقه برتر است که در لبنان هم همچنان به قوت خود باقی است!

لذا لبنان هم مانند سایر کشورهای عربی از خدمتکاران خارجی به عنوان کالایی لازم و لوکس برای منزل استفاده می‌کند و بانوی طبقه ثروتمند لبنانی همان‌گونه که ماشین زعفرشویی و لباسشویی فلان کمپانی اروپایی و لباس‌های پرزرق و برق فلان طراح مد ایتالیایی و لوازم اداری فلان کمپانی فرانسوی را نیازمند است، به کلفت سریلانکایی به عنوان اکسیژن در منزل (امور نظافت و بچه‌داری و نه بخت و پز) و عروسکی کوچک، زشت و سیاه به عنوان تفاخر در مهمانی‌ها نیز نیازمند است!! عروسک‌های معصومی که متوسط سن آنها بین ۱۵ تا ۲۵ سال است و برای تأمین آتیه خود حاضر به پذیرش کارهای طاقت‌فرسا و هجرت از یار و دیار شده‌اند.

آمار موجود بیانگر آن است که در حال حاضر ۲۰۰ هزار سریلانکایی در لبنان وجود دارد و اگر جمعیت کل لبنان حداکثر ۴ میلیون نفر در نظر گرفته شود و هر خانواده لبنانی به‌طور متوسط از پنج عضو



تشکیل شده باشد، نتیجه این می‌شود که ۱/۴ خانواده‌های لبنانی مستخدم دارند!!

علل حضور سریلانکایی‌ها در لبنان

۱. تفاخر طبقاتی در لبنان با داشتن خدمتکار

در جامعه‌شناسی، از عوامل مهم انتقال از طبقه‌ای به طبقه دیگر را «تحصیلات» و «ثروت» برمی‌شمارند.

تحصیلات به عنوان تنها فاکتور عامل انتقال به طبقه برتر است که اقشار متوسط در اکثر جوامع امکان استفاده از آن را دارند؛ چراکه ثروت در دست عده‌ای خاص است. لکن در کشورهای عربی، برخلاف سایر کشورها و براساس عواملی که در فصل‌های پیشین اشاره شد، تحصیلات حرف اول را در انتقال نمی‌زند بلکه ثروت فاکتور اصلی است. لذا بعضی از خانواده‌هایی که قدرت کسب ثروت در جامعه عربی را نداشته باشند حداقل سعی می‌کنند با تحمل همه‌گونه مشکلات، خدمتکاری را در منزل بکار گیرند تا خود را شبیه به طبقه برتر کنند!!

لذا در لبنان خانواده‌هایی دیده می‌شوند که به حق از طبقه ضعیف و نیازمند هستند لکن تلاش فراوان دارند که از امتیاز داشتن خدمتکار سریلانکایی محروم نمانند و با این امتیاز در خود احساس تعلق داشتن به طبقه برتر را ایجاد کنند!!

۲. ارزانی خدمت سریلانکایی

از دیگر عواملی که در عصر جدید باعث بهره‌گیری از خدمتکار سریلانکایی شده است، ارزانی قیمت آنها نسبت به سایر مستخدمین است.

شرکت‌های تجاری برای هر سریلانکایی مبلغی معادل ۱۴۰۰ دلار برای تأمین مراحل قانونی و لازم به مدت ۳ سال کار کردن در منزل دریافت می‌کنند و بالاترین حقوق ماهیانه آنها بین ۱۱۰ تا ۱۵۰ دلار است؛ و این مبلغ برای بیش از نیمی از مردم لبنان که درآمدی بالای ۴۰۰۰ دلار در ماه دارند یعنی معانی بودن استخدام سریلانکایی.

۳. سلامت روحی و روانی خدمه سریلانکایی

از آنجا که سریلانکایی‌ها ذاتاً انسان‌های شروری نیستند، لذا خانواده‌های عربی ترجیح می‌دهند که از آنها در کارهای خدماتی منزل بهره‌برند تا اشخاص دیگر؛ چرا که به ندرت شنیده شده است که سریلانکایی دست به سرقت و یا اعمال نامشروع دیگر بزنند.

۴. مسائل اجتماعی کشور سریلانکا

یکی از علل مهم دیگر که باعث شده است دختران جوان کشورهای مثل سریلانکا، هندوستان و... تن به مهاجرت و کلفتی در دیگر کشورها را بدهند عوامل موجود در جامعه آنهاست، به گونه‌ای که یک دختر سریلانکایی باید کلیه امکانات زندگی را برای خود فراهم کند تا مردی حاضر به ازدواج با وی گردد و...

مشکلات سریلانکایی‌ها در لبنان

مشکلات سریلانکایی‌ها در لبنان، همانند سایر کشورهای عربی، کم نیست. در طول هفته حداقل ۱۰ تصویر از زنان سریلانکایی در صفحات روزنامه‌های لبنانی چاپ می‌شود که از منزل صاحب خود فرار کرده‌اند.

علل این فرار را باید در مسائل مختلفی جستجو کرد. اولین علت آن اقتصاد است. خدمتکار سریلانکایی اندک زمانی پس از مهاجرت به لبنان درمی‌یابد که چگونه با قیمت نازل به مدت سه سال فروخته شده و اجیر صاحب منزل است.

خدمتکار سریلانکایی پس از چند ماه حضور در لبنان در می‌یابد که می‌تواند این کار طاقت‌فرسا را در مغازه‌ها و جاهای دیگر انجام داده و در مقابل آن حقوقی بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ دلار، آن هم بدون احتساب انعام، دریافت کند. بنابراین نیازی به ماندن در منزل صاحب‌خانه احساس نمی‌کند. از دیگر علل فرار سریلانکایی‌ها عدم پرداخت

حقوق آنها توسط صاحب‌خانه است. در پاره‌ای از موارد نیز فساد موجود در خانه برای سریلانکایی‌ها قابل تحمل نیست، لذا ترجیح می‌دهد که علی‌رغم تمام مشکلات قانونی و ثبت نام وی در دفاتر پلیس و مبادی خروجی از کشور، از منزل صاحبش فرار کند!!

فهرست مأخذ

۱. سعود المولی، علم اجتماع الشرق الاوسط، معهدالعلوم الاجتماعیه القرع الاول، ۱۹۹۲.
۲. اندریه هانیاک، میکولوس مولنار، جیرار دی بومیچ، سیکولوجیه التعصب، دارالسافی، ۱۹۹۰.
۳. روزنامه‌التهار، ۱۹۹۲/۲/۱۲.
۴. ساختار اجتماعی خلیج، دار الجدید.
۵. روزنامه‌الحیات، ۱۹۹۶/۴/۵.
۶. روزنامه‌الدیار، ۱۹۹۲/۸/۲۶.

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بیروت

